

تولد	۱۲۰۲ - ۱۲۸۱ هجری قمری / ۱۸۸۷ - ۱۹۶۴ میلادی
محل تولد	تهران، ایران
تاریخ وفات	۲۲ شهریور ۱۳۸۳ (۸۱ سالگی)
محل وفات	تهران، ایران
سازمان	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تحصیل	لیسانس ادبیات فارسی، دکترای ادبیات فارسی
موضوع تخصص	ادبیات فارسی، تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی
مهم‌ترین آثار	مجموعه آثار، ممدعلی مهمان‌نوازان، کمال‌الملک
جوایز	پهلوانی، جایزه آیت الله العظمی بروجردی، جایزه علامه طباطبائی
عضویت	انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، انجمن ادبیات فارسی
سازمان‌ها	سازمان اسناد و کتابخانه ملی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
وبسایت	www.mohammadmehannaazan.com

# ولاد

رمان

کارلوس فونتنس ماسیاس (۱۲ - ۲۰۱۲) برجسته‌ترین نویسندگان تاریخ مکزیک به حساب می‌آید. **کارلوس فونتنس**

یکی از نویسندگان برجسته و پرفروش‌ترین نویسندگان مکزیک است. او نویسنده بیش از ۲۰ رمان و مجموعه‌ای از داستان‌ها و خاطرات است. **ترجمه‌ی**

## ممدعلی مهمان‌نوازان

مجموعه آثارش نشان‌دهندهٔ بلوغ و مهارت او در نگارش است. او نویسندهٔ بیش از ۲۰ رمان و مجموعه‌ای از داستان‌ها و خاطرات است. **ممدعلی مهمان‌نوازان**



آثار و مفاخر فرهنگی

عمده‌ای از آثار او را دربرمی‌گیرد و از معدود نویسندگان مکزیکی است که نوشته‌هایش فضایی واقعی و تصویری به‌روز از سرزمینش را برای مخاطب ترسیم می‌کند.

از دیگر آثار این نویسنده‌ی چیره‌دست که به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز تسلط داشت می‌توان به مرگ آرتمیو کروز، پوست انداختن، خویشاوندان دور، آئورا، آسوده‌خاطر، سرهیدا، خودم با دیگران، آب سوخته و بیگانه‌ی قدیمی اشاره کرد که این آخری مبنای فیلمی پرستاره در سینمای غرب بود.

از دیگر آثار این نویسنده‌ی چیره‌دست که به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز تسلط داشت می‌توان به مرگ آرتمیو کروز، پوست انداختن، خویشاوندان دور، آئورا، آسوده‌خاطر، سرهیدا، خودم با دیگران، آب سوخته و بیگانه‌ی قدیمی اشاره کرد که این آخری مبنای فیلمی پرستاره در سینمای غرب بود.

۱



«اگر داویلا<sup>۱</sup> و اریارته<sup>۲</sup> در دسترس بودند، تو را به دردرس نمی‌انداختم، ناوارو<sup>۳</sup>. نمی‌خواهم بگویم آنها زبردست تو هستند - به‌نظرم بهتر باشد بگویم پایین‌تر از تو هستند - اما از طرفی هم نمی‌توانم فراموش کنم که تو شریک اصلی هستی، یعنی / ارشد هم‌ردیف‌های خود، بنابراین توی این شرکت مقام بالاتری داری. من این کار را به تو می‌سپارم چون، در درجه‌ی اول، از دید من موضوعی است که در نهایت فوریت باید انجام شود...»

چند هفته بعد، وقتی آن ماجرای وحشتناک پایان گرفته بود، یادم آمد که در ابتدای کار، من غیبت داویلا و اریارته را به حساب خوش‌شانسی گذاشته بودم. داویلا برای گذراندن ماه عسلش به اروپا رفته و اریارته گرفتار یک منع قضایی بود. اما من، من نه قرار بود راهی سفر عروس‌ودامادی بشوم و نه در شرایط عادی چنین کاری را قبول

1. Dávila      2. Uriarte      3. Navarro

می‌کردم، که مناسب و کلای تازه فارغ‌التحصیل شده بود و رییس‌مان قبل از من آن را به همکار خستگی‌ناپذیرمان ازیارته محول کرده بود.

باین حال، به تصمیم کارفرمای پایه‌سن‌گذاشته‌ام احترام گذاشتم و اعتماد صمیمانه و ارزشمند او را قدر دانستم. او همواره مردی قاطع بود که تصمیماتش نهایی و برگشت‌ناپذیر می‌نمود. عادت نداشت با کسی صلاح و مشورت کند. اگرچه آن قدر با تدبیر بود که با دقت به نظرات همکارانش گوش دهد، اما در پاسخ دستوراتش را اعلام می‌کرد. باین حال و به‌رغم آنچه همین حالا گفتم، من چطور می‌توانستم شرایط عجیب‌وغریبی را که او با استفاده از آن ثروتش را به دست آورده بود، نادیده بگیرم؟ وجهه‌ی اجتماعی او به‌عنوان مردی ثروتمند آن قدر نوپا بود که هنوز بشود او را «تازه پولدار» قلمداد کرد، اما حتی آن ثروت تازه به دست آمده هم، به مدد وقار و ملاحظه‌ی صاحبش، طوری به‌نظر می‌رسید که انگار مثل خود او هشتادونه سال قدمت دارد و به تاریخ پیش‌تر مدفون‌شده‌ی یک قرن‌گه خورده است. مال‌ومنال او بیش از هر چیز حاصل چرب‌زبانی‌ها (یا انعطاف‌پذیری اخلاقی) بود که او با بهره‌گیری از آن، در طول سال‌های متمادی حضورش در مکزیک به ادارات دولتی متعدد خدمت‌رسانی کرده بود (و جایگاه خود را بالا برده بود). در توصیف او همین بس که بگویم او "مردی بانفوذ" بود.

باید اذعان کنم که هرگز ندیدم رییس‌ام در برخورد با کسی رفتاری حاکی از اطاعت و فرمانبرداری بروز دهد. فقط می‌توانستم سر فرود آوردن‌های اجتناب‌ناپذیری را حدس بزنم که نگاه مغرور و ستون فقرات‌پیش‌تر خم‌شده‌ی او - در طول خط سیر حرفه‌ای‌اش - متحمل پذیرش آن در مقابل سیاستمدارانی می‌شده که به‌زحمت می‌شد گفت عمر کاری‌شان محدوده‌ای فراتر از دوره‌ی شش‌ساله‌ی حضور یک رییس‌جمهور

خواهد داشت.<sup>۱</sup> او کاملاً می‌دانست که قدرت سیاسی ناپایدار است، اما صاحب‌منصبان این را نمی‌دانستند. آنها به خود می‌بالیدند که به مدت شش سال وزیر خواهند بود، دوره‌ای که پس از آن تا آخر عمرشان فراموش می‌شدند؛ اما نکته‌ی قابل‌تحسین درباره‌ی دون<sup>۲</sup> الوی زوریناگای<sup>۳</sup> سرشناس این بود که او به مدت شصت سال توانسته بود خود را از یک اداره‌ی دولتی به اداره‌ای دیگر سر دهد و از عواقب احتمالی قسر در برود. ترفند او کمابیش ساده بود. در سرتاسر مسیر حرفه‌ای‌اش، او هرگز با سیاستمداران در نمی‌افتاد، زیرا هیچ‌وقت نمی‌گذاشت آنها حتی برای یک لحظه متوجه‌ی این امر اجتناب‌ناپذیر شوند که جایگاه سیاسی برجسته‌شان دستخوش آینده‌ای رو به افول و بی‌اهمیت خواهد بود. معدود افرادی می‌توانستند در پس لبخند طعنه‌آمیز الوی زوریناگا احترام سطحی و تمجیدهای پوچ او را دریابند.

اما درباره‌ی طرز برخورد او با من، بلافاصله پذیرفتم که اگر او لازم نمی‌بیند مهر و صمیمیت خاصی بروز دهد، دلیلش این است که هرگز نسبت به کسی یا چیزی علاقه‌ی طولانی و پایداری نشان نمی‌دهد. این یعنی رفتار او در محیط کار حرفه‌ای بود: صادقانه و مؤثر. فقط با حدس و گمان می‌شد پی برد که آن صداقت واقعی و آن اثربخشی صرفاً نوعی خودکامگی است یا نه، و آیا هر دو این ویژگی‌ها درهم می‌آمیزند تا نقابی را شکل دهند که برای بقا در باتلاق فساد سیاسی و قضایی لازم است یا خیر. اگر زوریناگا به‌عنوان یک حقوقدان هرگز با صاحب‌منصبان دولتی مجادله نمی‌کرد، احتمالاً دلیلش این بود که اصلاً از آنها خوشش

۱. در اکثر کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی دوره‌ی ریاست جمهوری (و قاعدتاً وزارت) شش‌ساله است. (مترجم)

۲. Don: عنوان احترام‌آمیز برای مردان اسپانیایی‌زبان. (م)